

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۱۲-۳۳۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1915327.2136](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1915327.2136)

نقد جامعه‌شناختی مجموعه داستان کوتاه «خاطره‌های پراکنده» از گلی ترقی

منصوره باقری مزرعه^۱، دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده^۲

چکیده

نقد جامعه‌شناختی ادبیات رشته‌ای علمی است که در ابتدا، با محور قرار دادن محتوا، به استخراج مسائل اجتماعی از خلال آثار ادبی می‌پرداخت. در قرن بیستم، جورج لوکاج، فیلسوف مجارستانی، تغییرات عمده‌ای در این شیوه ایجاد کرد. در روش ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن، با تکیه بر آرای لوکاج، شگردهای ادبی متن در کنار محتوای آن بررسی می‌شود و ساختارهای کلی اثر ادبی با ساختارهای اجتماعی که اثر در آن تکوین یافته، در تناظر قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه حوزه پژوهش‌های موردنظر رمان بوده است، مقاله حاضر در نظر دارد با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد ساخت‌گرایی تکوینی، به سراغ داستان کوتاه برود و با مطالعه موردی مجموعه «خاطره‌های پراکنده» از گلی ترقی، چگونگی بازنمایی جامعه در جهان تخیلی یک مجموعه داستان کوتاه را بررسی کند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اگرچه همه داستان‌های مجموعه در یک زمان اتفاق نمی‌افتد، اما کتاب تا حدودی، در محتوا و فرم، با رویدادهای جامعه ایران، پس از انقلاب و پس از جنگ تحمیلی، هماهنگ است و با بیان پیامدهای تعصب در دهه اول انقلاب و مدرنیته در دهه دوم، مخاطب را به‌طور ضمنی، به تکثرگرایی و دوری از تجمل‌گرایی دعوت می‌کند.

واژگان کلیدی: خاطره‌های پراکنده، داستان کوتاه، ساخت‌گرایی تکوینی، گلی ترقی، نقد

جامعه‌شناختی ادبیات.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

mansoorah.dara@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (نویسنده مسؤول)

drmodarreszadeh@yahoo.com



مقدمه

رشته جامعه‌شناسی ادبیات پیوستگی میان جوامع با آثار ادبی را مطالعه می‌کند، زیرا زندگی روزمره در جامعه امروز، در داستان انعکاس می‌یابد. این رشته مسیرهای متفاوتی را پشت سر گذاشته و در بیشتر پژوهش‌های اولیه، منتقد فقط به استخراج و تحلیل مسائل اجتماعی از خلال آثار ادبی پرداخته است. در قرن بیستم، جورج لوکاج (George Lukacs)، بُعد زیبایی‌شناختی را به نقد جامعه‌شناختی محتواگرا اضافه کرد. لوکاج اندیشمندی مجارستانی و مارکسیست بود و شیوه نقد او با ماهیت مارکسیستی خود، بیشتر با فرهنگ و ادبیات غربی هم‌خوانی داشت؛ با این وجود آثار بسیاری در ادبیات فارسی، از این منظر بررسی شده است، زیرا در همه مکان‌ها و زمان‌ها، نویسنده اثر ادبی به‌عنوان عضوی از اجتماع و تحت‌تأثیر وقایعی که پیرامونش رخ می‌دهد، قلم به‌دست می‌گیرد و باتوجه به دیدگاه خود، جهانی تخیلی خلق می‌کند که در آن، رابطه میان متن ادبی و واقعیت‌های اجتماعی به‌خوبی نمایان می‌شود. جامعه شخصیت نویسنده را می‌سازد و نویسنده با خلق شخصیت‌های داستانی، برداشت خود از جامعه را نشان می‌دهد.

داستان کوتاه تاکنون کمتر موضوع نقدهای جامعه‌شناختی بوده است، زیرا پژوهش‌گران این حوزه، رمان را قالب متناسب با واقعیت زندگی می‌دانستند. پس از ورود ماشین به جوامع، از سویی، زندگی سرعت بیشتری پیدا کرد و مردم فرصت کمتری برای مطالعه داشتند و از سوی دیگر، پرداختن به فرد، به‌جای جمع، در ادبیات رواج پیدا کرد. امروزه، داستان کوتاه قالبی مناسب برای نمایاندن احساسات و افکار انسان است و افکار و احساسات انسان در نتیجه زیست در اجتماع و برخی عوامل دیگر شکل می‌گیرد، پس با بررسی داستان‌های کوتاه هر دوره، می‌توان به اطلاعاتی درباره شرایط اجتماعی آن دوره دست یافت. باتوجه به جایگاه مهم این قالب ادبی، در داستان‌نویسی امروز، بررسی ظرفیت‌های آن برای انواع نقدهای ادبی ضروری به‌نظر می‌رسد.

نقد جامعه‌شناختی ادبیات روشی کارآمد در بررسی آثاری است که بازتاب روح زمانه خود هستند؛ درحالی‌که، ساختارهای کلی مجموعه خاطره‌های پراکنده با ساختارهای ذهنی گروه فعال جامعه، یعنی طبقه متوسط شهری، هماهنگ نیست. گلی ترقی نویسنده‌ای از طبقه مرفه است، طبقه‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر چندانی در تحولات ایران نداشت. با این‌وجود، این طبقه بخشی از ساختار اجتماعی جامعه ایران است. بررسی جهان‌بینی پنهان در

اثر و ارتباط آن با جهان‌نگری طبقه‌ای که نویسنده عضو آن است، نمایان‌گر تفکر انتقادی نسبت به جریان امور در جامعه است. ساخت‌گراها معتقدند رفتارهای انسانی دلالت‌گر هستند. همچنین ایشان اثر ادبی را یکی از مهم‌ترین عناصر سازنده آگاهی جمعی می‌دانند که مطالعه آن، اعضای گروه را قادر می‌سازد که به اندیشه‌ها، احساسات و اعمالشان آگاه شوند. پس با بررسی اثری که نماینده ساختارهای ذهنی طبقه مرفه است، مشخص می‌شود چه عناصری در شیوه تفکر و عمل ایشان، عکس‌العمل طبقات دیگر را به دنبال داشته است و این امر، تضادهای موجود در بطن جامعه را توضیح می‌دهد.

پیشینه تحقیق

آثار گلی ترقی از جنبه‌های گوناگونی چون، شخصیت‌پردازی، نشانه‌شناختی، معناشناختی، تحلیل کهن‌الگویی، روایت‌شناسی و ... محور مطالعات زیادی بوده است. دهباشی و کریمی در کتاب نقد و بررسی آثار گلی ترقی (۱۳۸۳)، بسیاری از این تحلیل‌ها را گردآوری کرده‌اند. زرلکی در کتاب خلسه خاطرات (۱۳۸۹)، آثار ترقی را تحلیل کرده است. در زمینه بررسی مسائل اجتماعی آثار این نویسنده، پژوهش‌هایی با محوریت مسائل زنان انجام شده است. داودی‌مقدم در مقاله نقد روانشناختی اجتماعی داستان جای دیگر (۱۳۸۷)، برخی از رویکردهای روانشناسی نظیر پرسونا در بافت کهن‌الگویی و بازتاب آن در شرایط اجتماعی را نشان داده است. در مقاله کاربرد واژه در «سمفونی مردگان» و «خاطره‌های پراکنده» از منظر زبان و جنسیت (۱۳۹۸)، از ناصری، تفاوت‌های زبان در داستان‌های زنان و مردان، که اغلب از تفاوت در موقعیت اجتماعی نشئت گرفته، بررسی شده است. تاکنون پژوهشی برپایه نقد ساخت‌گرایی تکوینی، بر روی داستان‌های کوتاه ترقی انجام نشده است.

روش تحقیق

این مقاله براساس روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده و ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده است.

مبانی تحقیق

نقد جامعه‌شناختی ادبیات مناسبات جامعه و اثر ادبی و پیوستگی‌های موجود میان ادبیات و بافت اجتماعی را پیدا و تشریح می‌کند. بسیاری جورج لوکاج را بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز این رشته می‌دانند. لوکاج اندیشه محوری زیبایی‌شناختی‌اش را چنین تعریف کرد: «اثر هنری سازنده»

جهانی تخیلی، غیرمفهومی و در عین حال بسیار غنی و به‌تمامی یک‌پارچه و یک‌دست است. بدین ترتیب ساختار سازنده و وحدت اثر، به‌صورت یکی از عناصر اصلی سرشت زیبایی‌شناختی آن جلوه می‌کند» (گلدمن، ۱۳۹۲: ۵۳). لوسین گلدمن اصل کلیت را از لوکاچ گرفت و براساس آن، در نظریه‌ای با نام ساخت‌گرایی تکوینی، مسئله اتحاد صورت و محتوا در نقد جامعه‌شناختی و بررسی ساختارها در زمینه تاریخی را مطرح کرد.

گلدمن «در وهله نخست، مفهوم فاعل جمعی و نیز فوق‌فردی را به‌عنوان آفریننده راستین محصول فرهنگی و به‌ویژه آثار ادبی مطرح می‌کند» (فراروتی، ۱۳۹۲: ۱۹۹-۲۰۰) و اعتقاد دارد آفرینش فرهنگی راستین درگرو این است که ساختار ذهنی اثر با ساختار ذهنی گروه‌های اجتماعی منطبق باشد (ر.ک: کوهلر، ۱۳۹۲: ۲۱۴). سپس گلدمن طبقه اجتماعی را تعریف می‌کند و آن را گروهی می‌داند که نقشی مهم در تحول تاریخی و نقشی تعیین‌کننده در آفرینش فرهنگی ایفا می‌کند. گروه‌هایی که هدف عمل و آگاهی آنها، ساخت‌آفرینی کل جامعه و در نتیجه ساخت‌آفرینی مجموعه روابط میان انسان‌ها و روابط انسان‌ها با طبیعت است (ر.ک: گلدمن، ۱۳۹۲: ۵۵). اعضای این گروه‌های وسیع، شخصیت، جهان‌نگری و عمل‌کردهای تقریباً مشابهی باهم دارند. آن‌ها به‌دلیل برداشت کمابیش یکسانی که از جهان و هستی و انسان دارند، به تفکر و عمل در جامعه می‌پردازند، باید‌ها و نباید‌هایی برای خود لحاظ می‌کنند و نقشی واحد در جامعه می‌یابند.

پس از معرفی گروه یا طبقه اجتماعی به‌عنوان فاعل جمعی، بحث پیوند ساختارهای اثر ادبی با ساختارهای گروه اجتماعی مطرح می‌شود و هدف آن است که ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با ساختار و تحولات جامعه‌ای که اثر مولود آن است، بررسی شود. در این مرحله، گلدمن برای جامعه‌شناس ادبیات، دو سطح بررسی را معرفی می‌کند؛ این دو سطح عبارتند از: مرحله تفسیر یا دریافت و مرحله تشریح. در مرحله تفسیر، ابتدا، باید ساختار معنادار را تعریف کرد. ساختار معنادار را «می‌توان اصل سازنده و عام تعیین‌کننده‌ای دانست که متن فلسفی یا ادبی را به یک کل منسجم بدل می‌کند» (زیما، ۱۳۹۲: ۱۲۵) ساختار معنادار الگویی معنادار و ساده است که می‌تواند کلیت متن را توضیح بدهد. بعد از آنکه ساختار معنادار مشخص شد، باید به بررسی غنای آن پرداخت؛ یعنی نشان داد که چگونه جنبه‌های گوناگون جهان اثر در این الگو جای می‌گیرد. در مرحله تشریح، پژوهش‌گر باید میان الگوی ساختاری، که سازنده وحدت و

معنای اثر است، با گرایش‌های فاعل جمعی، که همان گروه اجتماعی است، رابطه‌ای برقرار کند تا گنجانیدن اثر را در مقام رابطه معنادار و کارکردی، در یک کلیت گسترده‌تر ممکن سازد (ر.ک: گلدمن، ۱۳۹۲: ۵۷) در این مرحله، ساختارهای اثر ادبی، با توجه به ساختارهای کلی اجتماعی تشریح می‌گردد و چگونگی تحول ساختارهای اجتماعی نشان داده شود. در جریان دو سطح بررسی، ساختار معنادار در مرحله دریافت، با جهان‌نگری در مرحله تشریح، باهم پیوستگی دارند. به عبارت ساده‌تر، مفاهیم تکرارشونده در داستان، نشان‌دهنده ساختار معنادار و همچنین دغدغه ذهنی نویسنده است و دغدغه ذهنی نویسنده جهان‌بینی طبقه‌اش را نمایش می‌دهد. جامعه‌شناسی ادبیات با تحلیل دنیایی که نویسنده ساخته است، ارزش‌های حاکم بر جامعه در زمان تکوین اثر را درمی‌یابد و مهارت نویسنده در تحلیل درست واقعیت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

نقد جامعه‌شناختی ادبیات، قابلیت‌های لازم را برای بررسی داستان کوتاه فارسی دارد. داستان کوتاه مانند رمان، مختص روزگاری است که داستان‌نویسی به سمت فردگرایی متمایل شده است. اگرچه تحقیق در حوزه جامعه‌شناسی، مستلزم گردآوری و تحلیل داده‌های عینی است و داستان کوتاه، اعم از این‌که رئالیستی، ناتورالیستی، مدرنیستی یا پسامدرنیستی باشد، حاصل تخیل و فرآورده‌ای ذهنی است، که سنخیتی با مواد و مصالح معمول تحقیقات جامعه‌شناسان ندارد، با این‌همه، منظری که داستان کوتاه، و به‌ویژه داستان کوتاه مدرن، بر روی مسائل اجتماعی زمانه ما باز می‌کند، بصیرتی عمیق درباره جنبه‌های ناپیدای روابط بینافردی ایجاد می‌کند که شاید نتوان آن را از داده‌های عینی کسب کرد (ر.ک. پاینده، ۱۳۹۵ ب: ۴۳۴-۴۳۳). پس خواندن مجموعه‌ای از داستان‌های نوشته‌شده در دهه‌های اخیر، یکی از راه‌های بررسی جامعه‌شناسانه زندگی معاصر و آشنایی با مسائل فرهنگی آن است.

گلی ترقی در سال ۱۳۱۸، در خانواده‌ای مرفه در تهران به دنیا آمد. او نویسنده‌ای نوگرا و مسلط به زبان و عناصر داستان بود. او در سال ۱۳۵۸، به فرانسه مهاجرت کرد و در آنجا، داستان‌هایی نوشت که یا ریشه در خاطرات دوره کودکی او دارند و یا تصویری از دشواری‌های زندگی در غربت و سرگردانی روحی مهاجرها هستند (ر.ک: میرعبدینی ۱۳۹۲: ۲۵۲-۲۵۱). ترقی کتاب خاطره‌های پراکنده را در سال ۱۳۷۱، منتشر کرد. شش داستان نخست، بی‌آنکه حرکت خطی پیوسته‌ای داشته باشد، رفته‌رفته، ما را از کودکی، به بزرگسالی می‌کشاند. آنچه در

این میان حضور ندارد، روایتی از بخش‌های میانی زندگی راوی است. شاید منظور از پراکندگی، در عنوان کتاب نیز، به همین موضوع اشاره می‌کند، یعنی ترقی تصویرهای منتخبی از زندگی خود را به نمایش گذاشته است. این پرش از کودکی به زندگی در غربت، خود، نشان‌دهنده مرحله‌گذاری است که می‌توانست حلقه مهمی میان گذشته، حال و آینده (که قلم نویسنده آن را هدف قرار داده است) به‌شمار آید (ر.ک: رحیمیه، ۱۳۷۳: ۵۶۲). شخصیت‌های اصلی داستان‌ها از خانواده‌های مرفه و طبقات متوسط‌اند و نویسنده با صداقت و صمیمیت، پستی بلندی‌ها و خصوصیات زندگی آن‌ها و دوره‌ای که می‌زیستند را با قلم ساده و پیراسته خود توصیف می‌کند.

بحث

ایران پس از پیروزی انقلاب

شرایط جامعه ایران و وضعیت طبقات و گروه‌های اجتماعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور کلی دگرگون شد. انقلاب ایران با شعار دفاع از مستضعفان و مقابله با مستکبران و سرمایه‌داران به پیروزی رسیده بود. وقوع جنگ تحمیلی فرصتی ایجاد کرد تا جو ضد سرمایه‌داری تقویت شود و معنویات به اولویت جامعه تبدیل گردد. در سال ۱۳۶۷، با پایان جنگ، جامعه فراغتی یافت تا مسیر دگرگونی را طی کند. در چنین شرایطی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست‌جمهوری رسید و با چالش‌های بسیاری مواجه شد. او سعی کرد با تأکید بر توسعه اقتصادی و فراهم کردن امنیت برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی، کشور را بازسازی کند. برنامه‌های اقتصادی دوره سازندگی در تعارض با ارزش‌های انقلاب بود. به‌طور مثال، هاشمی بر خصوصی‌سازی تأکید می‌کرد؛ در حالی که «روح خصوصی‌سازی مستلزم نزدیکی به سیاست بازار آزاد است و لذا ارزش‌های حاکم بر اقتصاد بازار آزاد را هم با خود به همراه داشت، ارزش‌هایی که بیشتر این دنیایی بوده و به مادیات و مسائلی زمینی توجه دارد» (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲). دولت، توسعه اقتصادی را محور قرار داد؛ در نتیجه سرمایه در جامعه، اهمیت پیدا کرد و معیارهای سنجش از مسائل اخلاقی، به مسائل اقتصادی تغییر کرد. ارزش‌های نسل جدید پس از انقلاب، با ارزش‌های حاکمیت - که از نسل گذشته بودند - در تعارض قرار گرفت. از این‌رو در دهه دوم انقلاب، با پدیده گسست نسل‌ها و پیامدهای آن روبه‌رو هستیم.

فعالیت‌های دولت هاشمی بار دیگر، سیمای ایران را دگرگون کرد. از تأثیرهای مثبت آن می‌توان به بازسازی تجهیزات نفتی، رشد صادرات و واردات، افزایش میانگین رشد اقتصادی، استخراج بیشتر گاز طبیعی و خارج شدن از انزوای جهانی اشاره کرد (ر.ک: زیباکلام، ۱۳۸۹: ۶۰). در سایه تحول اقتصادی ایجادشده، ارزش‌ها تغییر کردند و سطح توقع مردم از زندگی بالا رفت، اما وضع معیشت ایشان تغییری نکرد؛ فقط گروهی «تازه‌به‌دوران‌رسیده» وضعشان خوب شد. ورود کالاهای لوکس، که در پی گسترش واردات انجام شد، هم تأثیری مهم در تحول ارزشی و تشدید فرهنگ مصرف‌گرایی در ایران داشت (ر.ک: قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲). به‌طور کلی می‌توان گفت، در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، به‌سبب جوان شدن جمعیت، حضور فعال‌تر زن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، رشد آموزش، باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی نسبت به گذشته، هجوم مدرنیته و تغییر ارزش‌های محیطی، گسترش ارتباطات، رشد شهرنشینی و در سوی دیگر ماجرا، برآورده نشدن خواست‌ها و انتظارات تازه مردم، عدم توسعه سیاسی متناسب با تغییرات و شکاف نسلی به‌وجود آمده، تعادل جامعه از بین رفت و شرایطی فراهم شد که به روی کار آمدن سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ منتهی شد.

خلاصه داستان‌ها

اتوبوس شمیران

راوی کوچک شیفته عزیز آقا، راننده اتوبوس لاتِ خطِ شمیران است. روزی در راه برگشت از مدرسه، به‌علت برف و سرما، دخترک مریض می‌شود و مدت‌ها در بستر می‌ماند. عزیز آقا برای احوال‌پرسی، به در خانه آن‌ها می‌آید، ولی با برخورد تند مادر مواجه می‌شود. دختر کوچک مرد محبوبش را از پشت پنجره می‌بیند و چراغ امید در دلش روشن می‌شود. پس از این اتفاق، راوی همراه مادرش، برای معالجه، به فرنگ می‌رود و به سرعت، مراحل بهبودی را طی می‌کند. همه فکر می‌کنند دکترهای آنجا معجزه کرده‌اند، اما دختر خودش می‌داند که دیدن عزیز آقا حال او را خوب کرده است.

دوست کوچک

دیدن آشنایی قدیمی، موجی از خاطرات را به ذهن راوی می‌آورد. این آشنا سوتلاناست، دختری روس که وارد کلاس آن‌ها شد و دوستی چندساله او و دوست کوچک را برهم زد. دوست کوچک رابطه خوبی با تازه وارد پیدا می‌کند و به راوی پیشنهاد می‌دهد که جمع

دوستانه‌شان سه‌نفره شود، اما او نمی‌پذیرد و شرایط روحی و جسمی‌اش روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود، تاحدی که دوست کوچک و سوتلانا وانمود می‌کنند دیگر باهم دوست نیستند. راوی در روز تولد سیزده‌سالگی‌اش، دوست کوچک را تعقیب می‌کند و به خانه سوتلانا می‌رسد. دیدن آن‌ها در حال بازی و شادی، ضربه‌ای است که هیچ‌گاه فراموشش نمی‌کند. حالا با دیدن این زن افسرده و پریشان، با خود فکر می‌کند چرا پیشنهاد دوستی سه‌نفره را نپذیرفت؟

خانه مادر بزرگ

راوی کوچک عاشق روزهای پنج‌شنبه است که همه فامیل خانه مادر بزرگ جمع می‌شوند. او در کنار توصیف قسمت‌های مختلف این خانه، سرگذشت دو تا از دایی‌ها را هم تعریف می‌کند. دایی بیمار در اتاقی در طبقه بالا، بستری است و هیچ‌کدام از بچه‌ها حق ندارند به آنجا بروند. دایی دیگر در اتاق گوشه حیاط، زندگی نکبت‌باری دارد. این دایی عشقی بیمارگونه به همسرش، مریم خانم، داشته است. مریم فرار می‌کند و پدر بزرگ از ترس خودکشی پسر، او را معتاد می‌کند تا غم همسر از یادش برود. راوی، که اکنون بزرگسال است، سرگذشت آدم‌ها، وسایل و خانه مادر بزرگ را بیان می‌کند.

پدر

پدر راوی شخصیتی محکم، مستبد و باهوش بوده است. او خانه موردنظر خود را در شمیران می‌سازد و این باغ محور زندگی یک قبیله و قانون پدر، حاکم بر سرنوشت ایل و تبارش می‌شود. راوی با توصیف باغ، خدمتکارها، خانواده و فامیل، به ماجرای ورود مستر غزنی می‌رسد، مردی فقیر و هندی که به صلاح دید پدر، برای تدریس انگلیسی، به باغ شمیران می‌آید. مدتی بعد، مستر بیمار می‌شود و می‌میرد. پس از این براعت استهلال، پدر بیمار می‌شود و کانون خانواده و قبیله از هم می‌پاشد. پدر تمام مراحل پیشرفت بیماری را تحمل می‌کند تا اینکه باغ شمیران، که سر راه یک بزرگراه قرار گرفته است، تخریب می‌شود. او این ضربه را تاب نمی‌آورد و فرو می‌ریزد.

خدمتکار

پس از انقلاب، تمام کسانی که برای خانواده راوی کار می‌کرده‌اند، آنها را ترک می‌کنند. جو جامعه برای راوی و افراد طبقه او مساعد نیست و پیدا کردن خدمتکاری قابل اعتماد، ناممکن به نظر می‌رسد. در عین ناباوری، محمد آقای نجار، دخترخاله خود را پیشنهاد می‌کند. زینب

می‌گوید دخترخاله محمد آقا نیست و زنی که ادعا می‌کنند مادر اوست، همراه نجار به‌ظاهر محترم، او را به‌زور در اختیار مردها می‌گذارند. هرکس چیزی می‌گوید و مرد جوانی هم پیدا می‌شود که زینب را نامزد برادر جانباز خود می‌داند. سرانجام زینب همراه پسری که ادعا می‌کرد برادر نامزد اوست، می‌رود و سؤال‌های زیادی درباره‌ی هویت و میزان صداقتش برجای می‌گذارد.

مادام گرگه

راوی همراه دو فرزند خود تازه به پاریس مهاجرت کرده است. همسایه‌ی طبقه‌ی پایین، که بچه‌ها او را مادام گرگه می‌نامند، زنی بداخلاق است که با تذکرات دائمی‌اش، عرصه را بر این خانواده تنگ کرده است. یک شب، که بچه‌ها خواب هستند، مادام گرگه در می‌زند و از سروصدای ایشان شکایت می‌کند. راوی عصبانی می‌شود و با فریاد و خشونت و اعتماد به نفس، همسایه‌ی مزاحم را فراری می‌دهد. سال‌ها می‌گذرد و یک روز راوی در پارک مقابل خانه، مادام گرگه را تنها و افسرده می‌بیند، که فرزند کوچکش را برای بازی آورده است. حتماً همسایه‌های او هم قانون‌هایی برایش تنظیم کرده‌اند که یکی از آنها، گذراندن بیشتر ساعت‌های روز، خارج از خانه است.

خانه‌ای در آسمان

با شروع جنگ، پسر مهین‌بانو خانه و وسایلش را می‌فروشد و با خانواده، راهی فرانسه می‌شود تا پس از سر و سامان دادن به اوضاع، مادر را فرابخواند. شرایط فراهم می‌شود و مهین‌بانو به خانه‌ی پسر می‌رود. پیرزن جای خاصی در این خانه ندارد و حتی گاهی در وان حمام می‌خوابد. دختر مهین‌بانو و شوهر انگلیسی‌اش، از او می‌خواهند با آنها زندگی کند. در آپارتمان یک‌خوابه‌ی دختر هم، جایی برای او نیست. برادر مهین‌بانو از وضعیت خواهر مطلع می‌شود و او را به خانه خود، در کانادا دعوت می‌کند. صندلی هواپیما برای پیرزن، حکم خانه‌ای را دارد که در آن، مزاحم هیچ‌کس نیست. احساس آرامش می‌کند و در حالت تب و هذیان، خاطراتش را به یاد می‌آورد. بعد از رسیدن به خانه برادر، مهین‌بانو بهبود نمی‌یابد و سرانجام می‌میرد.

عادت‌های غریب آقای الف در غربت

آقای الف معلم تاریخ و از خانواده‌ی مرفهی بوده است. در بحبوحه‌ی انقلاب، شاگردهایش او را ضدانقلاب می‌نامند و با سنگ، به پشت سرش می‌زنند. پس از این ماجرا، او مهاجرت می‌کند. تنها دلخوشی او در روزهای اندوهگین غربت، خواندن چندباره‌ی نامه‌هایش است. در این میان،

نامه‌های خانم نبوت جایگاه ویژه‌ای دارد. خانم نبوت عشق قدیمی، همکار سابق و دوست اوست که به علت تعلل الف در ابراز احساسات، از سر لیج، با علیرضا نبوت، دوست مشترکشان ازدواج کرده است. آقای الف روزگار سختی را با خانۀ کوچک، پول کم، همسایه‌های نامهربان و هوایی دلگیر می‌گذرانند. روز او با یادآوری خاطره‌ها، ملاقات با چند آشنا و در نهایت تصمیم برای بازگشت به ایران تمام می‌شود. تصمیمی که معلوم نیست چقدر جدی باشد.

سطح دریافت

در این بخش، ابتدا محتوای محوری داستان‌ها، سپس شگردهای ادبی کتاب بررسی می‌شود. توجه اصلی بر بازنمایی اجتماعی در زیبایی‌شناسی آثار ادبی است و جنبه‌های تخصصی و ناب ادبی را شامل نمی‌شود (ر.ک: ارشاد، ۱۳۹۴: ۲۳۰).

ارائه ساختار معنادار

محور اصلی همه داستان‌های کتاب تقابلهایی است که به صورت سنت و مدرنیته، گذشته و آینده، ثروتمند و فقیر، ارباب و نوکر، صداقت و دورویی، دوست قدیمی و دوست جدید، غرب و شرق و ... بروز می‌کند. نویسنده با رودررو قرار دادن دو مقوله متضاد و نشان دادن ضعف‌ها و قدرت‌های هریک، به مخاطب نشان می‌دهد که با توجه به نسبی بودن پدیده‌ها، تعصب و جانب‌داری امری بیهوده و نادرست است. مسئله محوری دیگری که در مجموعه مطرح شده، هجوم مدرنیته به جامعه‌ای سنتی و عوارض آن است. در نهایت، ترقی با ترسیم زندگی طبقه مرفه، زمینه‌ای برای ایجاد همدلی با ایشان فراهم کرده است.

ساختار ادبی مجموعه

اگرچه ترقی نویسنده‌ای خارج‌نشین است، اما محتوا و فرم اثر او رابطه مستقیمی با شرایط جامعه ایران در دوره‌های مختلف دارد.

بازآفرینی محیط

خاطره‌های کودکی ترقی مربوط به دوران قبل از انقلاب است. در کنار دل‌تنگی نویسنده برای دوره‌ای که به سرآمده، ایرادها هم به‌طور ضمنی، نشان داده شده است. راوی و آدم‌های پیرامونش کارهایی می‌کنند که بازنمایی عمل‌کرد انسان در جامعه موردنظر است. به‌عنوان مثال، دختر کوچک و حسن آقا از خلاف‌کاری‌های هم باخبرند، اما هر دو سکوت می‌کنند، چون افشاگری یکی، دیگری را رسوا می‌کند. نویسنده حتی خود و خانواده‌اش را هم نقد می‌کند و در

کنار معرفی افراد فامیلش، بسیاری از واقعیت‌های پشت پردهٔ ایشان را فاش می‌سازد. مثلاً شوهر خاله‌اش را دزد می‌نامد؛ «نه از آن دزدهای گدای توی کوچه، نه، رئیس اداره است و ماشین و راننده دارد. با شاه هم دوست است؛ دوست که نه، یکی دو بار به چند تا مهمانی مهم دربار دعوت شده» (ترقی، ۱۳۹۴: ۶۱).

بعد از انقلاب اسلامی، طبقه‌ای که نویسنده به آن تعلق دارد، در تنگنا قرار می‌گیرد. در داستان «مادام گرگه»، یکی از آشناهای راوی، داریوش «آ»، در نامه‌ای، شرایط خود و اطرافیانش را چنین توصیف می‌کند: «حق نداری برخلاف قاعده و اصول وضع شده نفس بکشی، حرف بزنی، فکر کنی، لباس بپوشی، غذا بخوری؛ حتی مستراح رفتن هم طریقه و روشی دارد. جفت‌گیری، عشق‌ورزی، مردنت هم آزاد نیست و تمام ذره‌ها و لحظه‌های زیستت از پیش مقرر شده است» (همان: ۱۵۱). غالب توصیف‌های ترقی از وضعیت طبقهٔ مرفه بعد از انقلاب، به رفتار طبقهٔ مقابل، با ایشان برمی‌گردد. در داستان «خدمتکار»، راوی و مادرش حتی جرئت ندارند خدمتکار مشکوک را اخراج کنند. بسیاری از اطرافیان نویسنده و در نهایت خودش، به دلیل جو حاکم مهاجرت می‌کنند. در سه داستان «مادام گرگه»، «خانه‌ای در آسمان» و «عادت‌های غریب آقای الف در غربت»، تصویر جامعی از زندگی مهاجران ارائه می‌شود. «زندگی در غربت، در پاریس، همراه با دلهره‌های پنهانی است و احساس گناه از اینکه غریبه‌ای از آن سوی مرزها آمده و جای خودی‌ها را غصب کرده است و نوعی پوزش و عقب‌نشینی اجباری و خشمی خاموش که جرئت بروز ندارد و احساس تحقیری درونی که نیش می‌زند و منتظر تلافی است و غروری که دو هزار و پانصد سال ریشه دارد و نگاهی که پیوسته از آن بالا، با تردید و تمسخر، به عوارض تمدن و تجدد می‌نگرد و اعتماد به اینکه ما نوادگان کورش و داریوش، حتی در شکست و فلاکت و زوال نیز، از همه برتریم» (همان: ۱۴۰).

شخصیت‌پردازی

ویژگی اصلی شخصیت‌های کتاب، متعادل بودن آنهاست. هیچ‌یک از شخصیت‌ها چهرهٔ مطلق ندارند و با تمام ویژگی‌های مثبت و منفی خود، به مخاطب معرفی می‌شوند. حتی راوی هم بی‌عیب و نقص نیست. او، که شخصیت اصلی کتاب است، در شش داستان، از هشت داستان حضور دارد. درویشیان راوی کوچک داستان‌ها را رمانتیک و شورشی معرفی می‌کند. عشق همکلاسی طغیان‌گر یا راننده اتوبوس شمیران می‌تواند دختر کوچک را بیمار کند یا بیماری‌اش

را بهبود بخشید. شورشی بودن یکی از مشخصه‌های شخصیت‌های رمانتیک است و راوی نشان می‌دهد دلپسته شورش در مقابل تمام تعلیم‌ها و باورهایی است که خانواده‌اش به آنها یقین دارند (ر.ک: درویشیان، ۱۳۸۳: ۳۷۲). راوی کوچک، که در چارچوب قواعد طبقه خودش نمی‌گنجد، بسیار معمولی و پرایراد، ولی دلنشین و جالب معرفی می‌شود.

پدر و مادر راوی دو شخصیت متفاوت با دو جایگاه متفاوت، در زندگی او هستند. پدر شخصیتی محکم و تأثیرگذار است و راوی او را «پرز کار و ورزش و پول و سلامتی» (ترقی، ۱۳۹۴: ۴۹) معرفی می‌کند. در عین حال، ترقی که قصد بت‌سازی ندارد، وجوه مستبد و خودخواه شخصیت پدر را نیز نمایش می‌دهد، فردی چنان خودبترتیب که حتی جای خوابش با بقیه متفاوت است (ر.ک: همان: ۱۶). مادر از شخصیت‌های فرعی خاطره‌هاست. نویسنده، که در بیشتر توصیف‌هایش از رایحه‌ها مدد می‌گیرد، درباره مادر می‌گوید: «بوی مادر با تمام بوها فرق دارد. بویی است که از عطر و پودر و فرنگ می‌آید، از آرتیست‌های سینما و مجله‌های مد و خیابان لاله‌زار و سالن رقص کافه شهرداری» (همان: ۱۰). اگرچه در کودکی، دختر کوچک از لحاظ عاطفی به مادر وابسته است، اما از شخصیت او تأثیری نمی‌پذیرد.

حسن آقای خدمتکار از شخصیت‌های جانبی ولی مهم کتاب است. او مردی است که در کنار وفاداری به خانواده، خلاف‌کاری‌های کوچکی هم دارد. مثلاً «وقتی مادر خانه نیست، مشت‌مشت عدس و برنج و لوبیا از گونی‌ها می‌دزدد و همه را توی جعبه‌ای، پشت مستراح ته باغ می‌گذارد و روز مرخصی‌اش می‌برد» (همان: ۶). با این حال، راوی او را دوست دارد و خوب و ساده و مهربان توصیفش می‌کند. حسن آقا عاشق پدر است و اوایل انقلاب، وقتی دیگر حضور دلگرم‌کننده پدر در خانه نیست، بدون اطلاع، قهر می‌کند و می‌رود و با خشم و خروش شکایتش را به گوش خانواده می‌رساند (ر.ک: همان: ۹۴). راوی رفتن او را بسته شدن دری برای همیشه و پایان یک عهد و رفتن یک تاریخ از زندگی‌شان می‌داند (ر.ک: همان: ۹۸).

جایگاه زن

گلی ترقی به ادبیات زنانه و مردانه اعتقاد ندارد؛ چراکه، به‌زعم او، هنر زن و مرد نمی‌شناسد. او خود را فمینیست هم نمی‌داند (ر.ک: مونسان، ۱۳۹۲: ۴۸۱)، با این وجود، زن‌ها در داستان‌های ترقی، نقش و حضور ویژه‌ای دارند. بیشتر آن‌ها اگرچه از طبقه بالای اجتماعی هستند، نسبت به مردها، جایگاهی فروتر دارند و از موقعیت خود ناراضی‌اند. در داستان «خانه مادر بزرگ»، راوی

از بزرگ شدن، خانم شدن و ازدواج کردن وحشت دارد. وقتی خودش را در لباس دخترانه می‌بیند، ناراحت می‌شود؛ انگار کس دیگری شده است، «از آن دخترهای خوب شاگرد اول که هر دایی تریاکی می‌تواند حبسش کند و بهش زور بگوید» (همان: ۶۷). او برای مقابله با نظام‌های جامعهٔ مردسالار، خوب نبودن، شاگرد اول نبودن و در واقع سرکش بودن را انتخاب می‌کند. راوی کوچک به‌عنوان یک زن، برای خود آیندهٔ روشنی را تصور نمی‌کند، چراکه زن‌های اطراف او هیچ‌کدام نمونه‌های قدرتمند و قابل‌اعتنایی نیستند. برای مثال دختر غصه می‌خورد از اینکه مادرش خیلی چیزها را نمی‌داند. دنیای مادر عمقی ندارد و راوی خواهان چنین زندگی‌ای نیست، پس راه دیگری را می‌پیماید. در داستان‌های «خدمتکار» و «مادام گرگه»، با زنی روبه‌رویم که تصمیم‌گیرندهٔ زندگی خود و حتی دیگران است؛ نه تنها تحت سلطهٔ کسی نیست، بلکه سرپرستی و ادارهٔ مادر یا فرزندانش را نیز برعهده دارد. در داستان «خانه‌ای در آسمان»، قهرمان داستان پیرزنی است که به دلیل نقطه‌ضعف مادرانه‌اش، فقط نظاره‌گر وقایع است، اما شخصیتی دلپذیر و ستودنی دارد. «عادت‌های غریب آقای الف در غربت» تنها داستانی است که شخصیت اصلی آن مرد است، اما مردی منفعل که انفعالش عاملی بیرونی ندارد، بلکه به دلیل ضعف شخصیتی اوست. درمقابل او، خانم نبوت قرار دارد، زنی با قدرت، عمل‌گرا و مثبت‌اندیش که باعث می‌شود ایرادهای آقای الف بیشتر به چشم بیاید.

زاویه دید

راوی داستان‌های ترقی، که شخصیت اصلی بیشتر داستان‌ها هم هست، خصوصیات یک قهرمان را ندارد. او ناظری است «نکته‌سنج، صریح، شوخ‌طبع، طنزاندیش و از همه مهم‌تر، قادر به نگاه خونسرد و بی‌طرف به پدیده‌ها، حتی به خود، از بالا و بافاصله» (صدر، ۱۳۸۳: ۵۰۴). در حقیقت، بخش مهمی از موفقیت نویسنده، در طراحی همین راوی منفعل و بی‌کمالات است که در اغلب صحنه‌ها، نقش شاهدهی را دارد که می‌تواند تصویری قانع‌کننده و منصفانه از وقایع ارائه دهد (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۳: ۴۶۶). زاویه دید در خاطره‌ها، اول‌شخص و در دو داستان دیگر، سوم‌شخص است. مصباحی‌پور معتقد است، در دوره‌های اختناق و استبداد، راوی تمام شعرها و داستان‌ها، اول‌شخص است. این امر مربوط به ساختار ذهنی نویسنده یا شاعری است که پرورش‌یافتهٔ نظامی دیکتاتوری و پدرسالارانه است و خودش را برتر از مخاطب می‌داند؛ بنابراین به بیان احساسات و نظریه‌ها و دستورالعمل‌های خود می‌پردازد (ر.ک: مصباحی‌پور،

۱۳۵۸: ۲۳۶-۲۳۲). روایت داستان‌ها به شیوه اول‌شخص تنوع آواها را از بین می‌برد و صدای شخصیت‌ها در صدای راوی گم می‌شود. یکی دیگر از مواردی که این ادعا را تأیید می‌کند، نشان‌دار بودن برخی از واژه‌ها در همه داستان‌هاست. مثلاً واژه «بدجنس» بسامد بالایی در مجموعه دارد و به‌خصوص، در داستان‌های کودک، بیشتر تکرار می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که صدای اصلی در مجموعه خاطره‌های پراکنده، صدای گلی ترقی است که گاهی کودک است و گاهی پیر، گاهی زن است و گاه مرد، اما در همه این نقش‌ها، او انسان موقعیت از دست‌داده‌ای دل‌تنگ گذشته است که احساس می‌کند در حقش، بی‌انصافی و بدجنسی کرده‌اند. در اینجا هم، انصاف نویسنده به یاری او می‌آید. راوی با قائل شدن حق برای دیگران و بیان انگیزه آنها برای عمل‌کردشان، فضای روایت را از سلطه مطلق خود خارج می‌کند.

زبان و آرایه‌های ادبی

نثر گلی ترقی ساده و روان است. جمله‌ها و عبارت‌ها کوتاه و رسا هستند و اغلب ویژگی‌های بینشی و تفکر نویسنده را ابلاغ می‌کنند. گویی نویسنده سعی می‌کند از همه ویژگی‌های فنی داستان‌نویسی امروز پرهیز کند، پس خصوصیت بیان بیشتر توضیحی و توصیفی است تا روایتی و تصویری (ر.ک: میرصادقی، ۱۳۸۳: ۲۹۳-۲۹۲). زبان داستان‌ها ساده و بی‌پیرایه است. ترقی نویسنده‌ای مشتاق گذشته است؛ از این‌رو زبان او برای روایت خاطره بسیار قدرتمند است. زبانی مملو از احساس که با موضوع و فضای نوشتاری او هم‌خوان و هم‌نشین است. آنجا که راوی دختر بچه است، زبان بازیگوش‌تر، چالاک‌تر و سر به‌هواتر است و آنجا که زنی پایه‌سن گذاشته و یا مردی جوان روایت‌گر است، زبان کمی سنگین و اندیشناک می‌شود، اما در این شرایط هم، همچنان زبانی پر از شیطنت است (ر.ک: زرلکی، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۷). او برای رسیدن به زبان پرانرژی و شاداب، تمهیدات گوناگونی به‌کار می‌برد. مثلاً بعضی واژه‌ها بسامد بالایی در داستان‌های او دارند. کلمه «خوشبختی» و «خوشبخت» در تمام داستان‌ها، نشان‌دار شده و بار معنایی مثبت این واژه، انرژی دوچندانی به متن داده است. همچنین به‌کار بردن جمله‌های کوتاه، سرعت روایت را بالا برده و بر تحرک فضا افزوده است.

شگردهای زیبایی‌شناختی کتاب هماهنگ با واقعیت‌های جامعه، از نگاه نویسنده است. او با استفاده از تمثیل و به‌خصوص تمثیل خانه شمشیران، سازوکار نهاد قدرت و ارتباط طبقات اجتماعی باهم را ترسیم می‌کند. همچنین تصویرسازی‌های مجموعه بر مبنای مفهوم مهاجرت

شکل گرفته‌اند که نمونه دیگری از هماهنگی شگرد ادبی اثر با واقعیت زندگی نویسنده است. مثلاً ترقی درخت‌های عریان باغ شمیران در فصل زمستان را به خاطر می‌آورد که غرق در رویای بازگشت پرنندگان مهاجر بودند (ر.ک: ترقی، ۱۳۹۴: ۲-۳) یا فروش وسایل خانه را به سفر غم‌انگیز بچه‌های مادری پیر، به شهرهای اجنبی تشبیه می‌کند (ر.ک: همان: ۱۵۹) و برای نشان دادن تنهایی انسان، در غربت، تصویر مسافری غریب در ایستگاه قطاری سرد و غمگین را پیش چشم مخاطب می‌آورد (ر.ک: همان: ۱۷۶).

سطح تشریح

ساختار کتاب خاطره‌های پراکنده با ساختار جامعه ایران، پس از انقلاب، همخوانی دارد. کتاب در دهه هفتاد منتشر می‌شود و به دلیل همین شباهت ساختاری، با اقبال مخاطبان روبه‌رو می‌گردد. پس از جنگ، لزوم بازسازی اقتصادی، به ارزشمند شدن سرمایه در جامعه انجامید. دیگر دوران داستان‌های نویسنده‌های چپ‌گرا و پرداختن به زندگی طبقه فقیر سپری شده بود و نویسنده‌ها سبک جدیدی از زندگی را ترسیم می‌کردند. از این‌رو به داستان‌های ترقی توجه ویژه‌ای شد. او تصویرگر دقیق طبقه مرفه ایرانی و توصیف‌کننده رابطه این قشر با قشر ضعیف (در هیئت ارباب و نوکر) است. طبقه مرفه، که بعد از انقلاب، در موقعیت بدی قرار گرفته بود، در دهه هفتاد و در راستای سیاست‌های هاشمی رفسنجانی، در خصوص گسترش ارتباط با خارج و خارج‌نشین‌ها، پروبالی دوباره گرفت. در این دهه، می‌شد از آسیب‌ها و اشتباهات اوایل انقلاب صحبت کرد و کتاب نوشت. در واقع دوران پس از جنگ، شروع «تحمل نظرهای مخالف» بود، پس فضای داستان‌ها هم به سمت این شرایط، تغییر جهت داد.

در کتاب ترقی، شخصیت‌پردازی متأثر از شرایط جامعه است. در خاطره‌های کودکی، جامعه‌ای مردسالار به ریاست پدر ترسیم می‌شود. علت اصلی فرمانبرداری خدمتکارها و حتی مادر، نیاز مالی است. پدر به تمام افراد خانه حقوق می‌دهد؛ پس مناسبات قدرت برپایه اقتصاد شکل می‌گیرد. لوکاج و گلدمن، برمبنای اندیشه‌های مارکسیستی، آگاهی اجتماعی افراد جامعه را متأثر از ساختارهای اقتصادی جوامع و جایگاه انسان در دنیای مدرن می‌دانستند. «تسلط دنیای سرمایه‌داری بر افراد، چنان است که آنان به اشیا بدل می‌شوند و به ایفای نقشی منفعل محدود می‌گردند. مناسبات انسانی و نهادها نیز دست‌خوش همین تباهی و ارزش‌باختگی می‌شوند» (زالامانسکی، ۱۳۹۲: ۲۵۳-۲۵۴). همین امر مقوله شی‌ءوارگی را وارد نقد

جامعه‌شناختی ادبیات می‌کند که در نتیجه آن، ارزش‌های انسانی در سایه ارزش‌های اقتصادی قرار می‌گیرند و رنگ می‌بازند. شیء‌وارگی می‌تواند توضیحی برای موقعیت خدمتکارها در مجموعه باشد و در داستان «خانه‌ای در آسمان»، در قالب شخصیت مهین بانو بازنمایی می‌شود. مهین بانو زنی از طبقه بالای جامعه است، ولی ثروت او کفاف زندگی خود و بچه‌هایش در خارج را نمی‌دهد. این پیرزن، که دیگر کارکرد اقتصادی مؤثری ندارد، در اولویت استفاده از تسهیلات مالی خانواده قرار نمی‌گیرد و چون شیئی اضافی از این سو به آن سو پرتاب می‌شود. پس از انقلاب، به جای اقتصاد، ایدئولوژی تعیین‌کننده جایگاه افراد در جامعه می‌شود. موقعیت فرودستان سابق و رابطه ایشان با فرادستان سابق، تغییر می‌کند و سرکشی را به دنبال می‌آورد. این رویارویی قدرت قدیم و جدید در داستان «خدمتکار»، به اوج می‌رسد. ترقی با ترسیم فضایی آکنده از ترس، دورویی و زورگویی، شرایط آن دوره اجتماعی را بازسازی می‌کند. شرایطی که به‌زعم نویسنده، جای عدالت و آزادی را، تسویه حساب‌های شخصی و سودجویی می‌گیرد.

پیامد قدرت گرفتن ناگهانی ضعیف‌ها در داستان «عادت‌های غریب آقای الف در غربت»، به‌نوعی دیگر، خود را نشان می‌دهد. در این داستان، علت مهاجرت ناگهانی الف و هدر رفتن توان و دانش او، سلیقه شخصی چند دانش‌آموز برای طاغوتی دانستن معلم است. نویسنده می‌خواهد به‌طور ضمنی، از آسیب‌های قدرتمند شدن ناگهانی کسانی بنویسد که آمادگی پذیرش این قدرت را ندارند و نشان دهد چگونه نیرویی وحشی و قوی آزاد می‌شود و در کنار تحولاتی که ایجاد می‌کند، پرخطا پیش می‌رود. ترقی راه نجات از این وضعیت را کنار گذاشتن تعصب، تحمل دیگران و خروج از تفکر «سیاه یا سفید مطلق دیدن» می‌داند. در پایان داستان «دوست کوچک»، راوی از اینکه پیشنهاد دوستی سه‌نفره را نپذیرفته است، افسوس می‌خورد. اگر می‌پذیرفت، نه آسیب می‌دید و نه آسیب می‌رساند.

طغیان زیردست‌ها بر بالادست‌ها در مجموعه، از طرفی واکنش به عمل‌کرد طبقه مرفه، قبل از انقلاب بود و از طرف دیگر، نشان‌دهنده شکاف نسلی است. در داستان «دوست کوچک»، راوی نگران است که مادرش نوشته «مرگ بر شاه» کف دست دوست کوچک را ببیند و به مدیر مدرسه گزارش دهد؛ یعنی وقتی جهت‌گیری قدرت به نفع طبقه مرفه بوده، امکان اعمال سلیقه برای ایشان وجود داشته است؛ وقتی مناسبات سیاسی تغییر می‌کند و طبقه مستضعف در کنار

قدرت قرار می‌گیرد، به همان شیوه عمل می‌کند. در جامعه‌ای که مردمش نظرها و نگاه‌های دیگران را نمی‌توانند تحمل کنند، چنین رفتارهایی رخ می‌دهد. قانون‌شکنی‌های راوی کوچک داستان‌ها طغیان او علیه نظم موجود است. این طغیان بازنمایی شکاف نسلی ایجادشده میان مردم نیز هست. بعداز پیروزی انقلاب، وقوع جنگ تحمیلی، باعث ایجاد همدلی و اتحاد میان همه مردم شد، پس تعارض چندانی میان خواست نسل جوان و نسل قبلی به وجود نیامد. بعداز جنگ، با ازبین رفتن یا کم شدن تهدیدهای بیرونی، خواست‌های این نسل سربرآورد. یکی از دلایل فاصله افتادن میان نسل‌ها، این است که نسل قدیمی نسل جدید را درک نمی‌کند. نسل قدیمی امکان قانون‌گذاری دارد و بی‌محابا و بی‌توجه به احساسات و نیازهای جوان‌ها، با قانون‌های غیرلازم و سلیقه‌ای، آنها را محدود می‌کند. نسل جوان هم قانون را نقض می‌کند و در دوری باطل، قوانین سخت‌گیرانه‌تر و سرپیچی بیشتر می‌شود.

راز هم‌خوانی ساختارهای داستان‌های قبل‌انقلابی ترقی با ساختارهای جامعه در زمان چاپ کتابش، تقابل دوباره سنت و مدرنیته در دهه ۷۰ است. ترقی که در دوره کودکی، شاهد ورود مدرنیته به ایران بود، در خاطره‌هایش، با تمسخر جلوه‌های مدرن زندگی و دل‌تنگی برای گذشته، به این مسئله واکنش نشان می‌دهد و با ثبت خاطراتش، می‌خواهد پیامدهای این موضوع را گوشزد کند. پس از جنگ، مدرنیته، که در سال‌های انقلاب و جنگ، امکان ورود به ایران را نداشت، با شدتی، که حاصل تجمع و انباشته شدن پشت حصارها بود، وارد کشور شد. رویارویی سنت و مدرنیته در مجموعه، به شیوه‌های مختلف، برای مخاطب ملموس می‌شود. در داستان‌ها، خانه شمیران در مقابل بزرگراه، راوی در مقابل دخترک روسی، خانه مادر بزرگ در مقابل آپارتمان‌های جدید، ایران در مقابل فرنگ و قدرت قدیمی در مقابل قدرت جدید، همه‌وهمه سنت هستند. در داستان «پدر»، نشان داده می‌شود که «چگونه مدرنیته، به سان نیرویی تغییردهنده و عامل دگرگونی و دگرسازی، به یک زندگی جمع‌وجور و محفوظ و سنتی وارد می‌شود، می‌بینیم که چگونه حضور تجدد با ورود معلم انگلیسی و زبان خارجی‌اش، به ساحت ارزش‌های قدیمی و رابطه‌های سنتی هجوم می‌آورد» (گلستان، ۱۳۸۳: ۳۴۰). وضعیت ناهنجار مستر غزنی بازآفرینی شروع مدرنیته در ایران است. همچنین تعارض میان خواست‌ها و شرایط آقای الف با زندگی غربی، نمونه دیگری از این رویارویی است.

شگردهای ادبی کتاب گاهی هماهنگ با شرایط اجتماعی و گاهی در اعتراض به آن‌هاست. ترقی ساده می‌نویسد تا اعتراض خود را به خودنمایی‌هایی که رواج پیدا کرده نشان دهد. معصومیت راوی کم‌سن‌وسال هم بر بی‌پیرایگی زبان او یاری می‌رساند. این راوی در تعریف کردن خاطره‌های خود در بزرگسالی و روایت داستان دیگران از منظر دانای کل هم صداقت خود را حفظ می‌کند. او می‌کوشد بی‌طرف باشد و با زبان طنزآمیز، خود، خانواده، فامیل و افراد هم‌طبقه‌اش را نقد کند. نویسنده با این کار، تعصب را زیر سؤال می‌برد. فتوحی معتقد است استفاده از کنایه، طنز و آبرونی در داستان، به‌منظور نقد اعمال و افراد، بر آزادی‌خواهی متن دلالت دارد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۶۱). به‌خصوص در شرایطی که بستر مناسبی برای انتقاد صریح وجود ندارد، این شیوه‌های غیرمستقیم حاکی از تلاش نویسنده برای برقراری دموکراسی در جهان داستان است. از سوی دیگر، شش داستان به‌شیوه روایت اول‌شخص و دو داستان آخر سوم‌شخص است. راوی از شیوه گفت‌وگوی مستقیم استفاده نمی‌کند و داستان با تک‌گویی درونی شخصیت‌ها یا مشاهده‌های دانای کل پیش می‌رود. گفت‌وگوی مستقیم به‌معنای مجال دادن به همه صداهای شنیدن نظرهای مختلف و مخالف است. اگرچه این کتاب بیشتر حالت خاطره‌گویی دارد، اما پرداختن به ماجراها از نگاه و قضاوت یک فرد، در تقابل با آموزه‌های استبدادستیزی است و این تناقض همه فضای مجموعه را دربرگرفته است.

تصویرسازی‌های ترقی علاوه بر اینکه از شرایط مهاجرت تأثیر پذیرفته، در خدمت نشان دادن تضاد طبقاتی موجود در جامعه است. مثلاً در داستان «توبوس شمیران»، با مقایسه بوی کت عزیز آقا و بوی مادر، تمام تضادهای فرهنگی و طبقاتی به‌گونه‌ای غیرمستقیم بیان می‌شود (ر.ک: جدی، ۱۳۹۷: ۱۸۲). برخی از واژه‌های استفاده‌شده در این تصویرسازی هم نشان‌دار شده‌اند. کلمه «بو» در کنار معنی‌های متداول خود، به معنی «امید» و «آرزو» هم هست. بسامد بالای این واژه در داستان‌ها و استفاده از آن در توصیف‌ها، می‌تواند دلالتی ضمنی به معنای دیگر آن هم داشته باشد. راوی مهاجر است، بزرگ شده، موقعیت اجتماعی - طبقاتی خود را ازدست داده و دل‌تنگ وطن و کودکی و شرایط قبلی است. این احساس‌ها با یادآوری بوی آنچه ازدست داده و مفهوم پنهان در این واژه توصیف می‌شود و سرزندگی نثر، امید مستتر در متن را تقویت می‌کند. یکی از شگردهای ادبی کتاب تمثیل است که بر شرایط موجود در جامعه دلالت می‌کند. خانه شمیران نشان‌دهنده جامعه‌ای غیردموکرات است. پدر، رأس قدرت، هرچند خیرخواه و لایق و

منصف و واجد بسیاری از صفات خوب دیگر است، اما اهمیتی برای نظر دیگران قائل نیست. او تصمیم‌گیرنده تمام امور مربوط به خانه و ساکنانش است و قانون‌ها بدون نظرخواهی از بقیه و فقط به صلاح‌دید خودش وضع می‌شود. با مرگ او، پایه‌های نظام قدرت سست می‌شود و در غیابش، خدمتکارهای سابق، که وضعیتی شیء‌واره در سیستم داشته‌اند، شورش می‌کنند و نظام به‌طور کلی فرو می‌ریزد. «طبقه کارگر کالایی است متشکل از انسان‌های بالقوه سرکش، در برابر نظامی اقتصادی، که می‌خواهد آنان را به موقعیت اشیای بی‌جان تقلیل دهد» (یانس، ۱۳۹۹: ۴۶). سربرآوردن خدمتکارها در داستان‌ها، برای بازپس‌گیری حقی است که مدت‌ها پایمال شده است، ولی آدم‌های تربیت‌شده در فضای استبدادی، مواجهه درست و کم‌خطایی با دموکراسی ندارند و خدمتکارها با شیوه‌ای استبدادی، با استبداد قبلی مقابله می‌کنند. از تمثیل‌های دیگر کتاب، می‌توان به سرگذشت دایی تریاکی، در داستان «خانه مادر بزرگ» اشاره کرد. وقتی این عضو از کنترل خارج می‌شود، پدر بزرگ تنها راه کنترل او را در معناد کردنش می‌داند. از دیدگاه او، پسری بیمار، منفعل و تحت کنترل، بهتر از جوانی با عمل‌کردهای هیجانی و مخرب است. این سرگذشت می‌تواند تمثیلی از خواست رأس هرم قدرت برای لایه‌های پایینی باشد. داستان «مادام گرگه» تمثیل دیگری است که برعکس این داستان، نمایاننده واکنش عضوی از لایه پایینی به لایه بالایی هرم است. در نیمه ابتدایی داستان، هر چقدر راوی بیشتر به خواست‌های نامعقول همسایه طبقه پایین تن می‌دهد، او حلقه فشار را تنگ‌تر می‌کند و وقتی در مقابل زورگویی می‌ایستد، او عقب‌نشینی می‌کند.

ترقی با استفاده از امکانات دستوری و نگارشی، فضای داستانی خاطره‌ها را به سمت موردنظر خود سوق داده است. «عامل زمان متغیر مهمی در میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور به‌شمار می‌رود؛ مثلاً فعل مضارع ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۹۱) و ترقی خاطره‌ها را با فعل مضارع تعریف می‌کند. در این بین، فقط داستان «خدمتکار»، که مربوط به شرایط پر از شک و متزلزل پس از انقلاب (به‌خصوص برای طبقه مرفه) است، با افعال ماضی تعریف می‌شود. علاوه بر این به‌کار بردن جمله‌های کوتاه در داستان‌ها، بر سرعت روایت افزوده است که این امر، جهان تخیلی را در تناظر با زندگی پرسرعت، در جهان واقعی قرار می‌دهد.

روندنما

در شیوه ساخت‌گرایی تکوینی، سعی بر این است که اثر ادبی به صورت کلیتی یک‌پارچه از فرم و معنا در نظر گرفته شود. مرحله‌های دریافت و تشریح در این شیوه، اگرچه جدا از هم هستند، اما در عمل به هم پیوسته‌اند. برای نشان دادن این به هم پیوستگی، تمام مراحل بررسی مجموعه در یک روندنما ارائه شده است؛ یعنی نشان داده شده که با توجه به ساختار معنادار اثر، چگونه محتوا و فرم مجموعه (ساختار ادبی) تحت تأثیر عوامل اجتماعی شکل گرفته است و این مسئله چگونه می‌تواند نشان‌دهنده آگاهی واقعی یا آگاهی ممکن نویسنده باشد. این دو آگاهی دو سویه جهان‌نگری هستند؛ آگاهی واقعی وضع موجود در جامعه است که در اثر اجرا می‌شود و آگاهی ممکن مضامینی است که برخلاف وضع موجود و به‌طور ضمنی، در اثر نمایش داده می‌شود (ر.ک: محمودی، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

در بررسی سطوح معنایی و صوری کتاب، به موارد گوناگونی پرداخته شد که گنجاندن همه این موارد در یک روندنما، امکان‌پذیر نیست. پس صنعت یا مضمونی که در مجموعه، جلوه‌ای بارز داشته در نظر گرفته شده، سپس توضیح داده شده که این مسئله چگونه با شرایط اجتماعی دوره موردنظر مربوط بوده است. در مرحله بعد، مشخص شده شیوه‌ای که نویسنده در پرداخت این ویژگی انتخاب کرده هم‌سو یا در تقابل با شرایط اجتماعی بوده است. شیوه‌های هم‌سو گواهی بر آگاهی واقعی نویسنده و شیوه‌های متقابل نشان‌دهنده آگاهی ممکن او هستند.

بررسی کلی مجموعه خاطره‌های پراکنده



نتیجه‌گیری

گلی ترقی در داستان‌هایش، حال‌وهوای زندگی طبقه مرفه ایرانی را بازآفرینی کرده است. شرایط دگرگون‌شده طبقه مرفه پس از انقلاب، در مقیاسی بزرگ‌تر، نشان‌دهنده تغییر شرایط و تحول جامعه ایرانی در این دوران است. ترقی با رودررو قرار دادن مقوله‌های متضاد، وجود تقابل در متن جامعه را نشان داده و علت این امر را، به‌طور ضمنی، تضاد منافع دانسته است. قبل از انقلاب، منافع طبقه مرفه با منافع نظام حاکم، در یک راستا قرار دارد و برپایه منافع اقتصادی، در تمام نهادهای جامعه، مناسبات قدرت شکل می‌گیرد. یکی از پیامدهای این مسئله، شیء‌وارگی انسان در دنیای مدرن است، که در کتاب، از طریق رابطه خدمتکارها و ارباب، بازآفرینی شده است. پس از انقلاب و در زمان جنگ، ارزش‌های مادی رنگ می‌بازد و برتری اقتصادی نه تنها به برتری موقعیت اجتماعی نمی‌انجامد، بلکه نقطه ضعف محسوب می‌شود. در این شرایط هم، تضاد منافع به‌نوعی دیگر خود را نشان می‌دهد و نزدیکی و دوری به تفکرات انقلابیون، عامل برتری یا فروتری افراد به‌شمار می‌آید. این شرایط هم بار دیگر، در قالب برخورد ارباب و خدمتکار، در کتاب نمایش داده شده و خواننده را با نتایج زیان‌بار جزم‌اندیشی و تعصب روبه‌رو کرده است. بعد از جنگ، با فاصله گرفتن از حال‌وهوای معنوی جامعه، دوباره اقتصاد در زندگی انسان ایرانی، نقشی محوری پیدا می‌کند. مواجهه پرخطای جامعه با مدرنیته و تقلیل آن به تجمل‌گرایی، مضمون مشترک میان داستان‌های کودکی نویسنده و جامعه ایرانی، در دهه دوم انقلاب است.

شگردهای نویسندگی ترقی در خدمت نمایش دادن جامعه‌ای با تربیت استبدادی، مردسالار، هویت‌باخته، بی‌ثبات و متناقض است؛ با این حال، تلاش‌های تکنیکی او برای ساختن فضای داستانی آرمانی موردنظرش، در بسیاری از موارد، ثمربخش بوده است. به‌عنوان مثال، برای ابراز مخالفت با رواج تجمل‌گرایی، از زبانی ساده و بدون زرق‌وبرق استفاده می‌کند و باوجود انتخاب شیوه روایت اول‌شخص، که از اهمیت ندادن به نظر و دیدگاه دیگران حکایت دارد، سعی می‌کند در من‌روایت‌هایش، انصاف و بی‌طرفی را رعایت کند. ترقی با زبانی طنزآمیز، از ناپسامانی‌ها انتقاد می‌کند و در این مسیر، برای اعضای خانواده و حتی خود، استثنا قائل نمی‌شود. به‌کار بردن تمثیل‌های خانه شمیران و دایی تریاکی و ترسیم سلسله‌مراتب قدرت، یکی دیگر از شگردهای ادبی نویسنده در بازنمایی وضع موجود و انتقاد از آن است. ترقی با

خلق شخصیت‌های خاکستری و نمایش تقابل در شخصیت‌ها، فضای داستانی‌اش را به تعادل نزدیک کرده است. در پرداخت شخصیت‌های زن، او نتوانسته است شرایط واقعی زنان در این دوران را بازنمایی کند، زیرا موقعیت زن ایرانی پس از جنگ، تغییرات زیادی کرد، اما تغییر بیشتر در طبقه متوسط شهری رخ داد و نگاه ترقی در این زمینه، متوجه این طبقه نبوده است.

به دلیل عدم انطباق طبقه نقش‌آفرین در مجموعه با طبقه تأثیرگذار جامعه در دوره مورد نظر، ترقی نتوانسته است جهان داستانی‌ای خلق کند که با واقعیت‌های جامعه ایرانی، هم‌پوشانی کاملی داشته باشد و روح زمانه خود را بازتاب دهد. به عبارت دیگر سکان‌دار تحولات ایران در آستانه دهه هفتاد، طبقه متوسط شهری بود و این گروه در خاطره‌های پراکنده حضور ندارد. همچنین آگاهی نویسنده خارج‌نشین از شرایط اجتماعی، بیشتر به صورت آگاهی واقعی از سال‌های اول انقلاب است و چون آگاهی ممکن طبقه تأثیرگذار جامعه را درک نکرده، ساختار کلی اثرش نتوانسته است تحولات بزرگ دهه هفتاد، مثل مشارکت بی‌سابقه مردم در انتخابات خرداد ۷۶ را پیش‌بینی کند.

در نهایت، با توجه به اینکه، داستان‌های کوتاه یک مجموعه حاصل جهان‌نگری نویسنده و طبقه او و تحت تأثیر شرایط اجتماعی زمان خود هستند، می‌توان ساختار معنادار مشترکی میان تمام داستان‌های یک مجموعه پیدا کرد، ساختاری که بتواند تمام متن را توضیح بدهد. با این کار، می‌توان داستان کوتاه را، مانند رمان، از منظر نظریه ساخت‌گرایی تکوینی بررسی کرد و از داده‌های اجتماعی این گونه مهم و فراگیر، در نقد جامعه‌شناختی ادبیات بهره‌مند شد

منابع

کتاب‌ها

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۹۴) *کندوکاوی در جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: آگه.
- اسلامی، مجید (۱۳۸۳) *میان بی‌نهایت گذشته و بی‌نهایت فردا*، نقد و بررسی آثار گلی ترقی، علی دهباشی و مهدی کریمی، تهران: قطره.
- پاینده، حسین (۱۳۹۵) *داستان کوتاه در ایران (داستان‌های مدرن)*، جلد ۲، تهران: نیلوفر.
- ترقی، گلی (۱۳۹۴) *خاطره‌های پراکنده*، تهران: نیلوفر.
- درویشیان، علی‌اشرف، رضا خندان (۱۳۸۳) *نقد و بررسی «توبوس شمیران»*، نقد و بررسی آثار گلی ترقی، علی دهباشی و مهدی کریمی، تهران: قطره.

- دهباشی، علی، مهدی کریمی (۱۳۸۳) نقد و بررسی آثار گلی ترقی، تهران: قطره.
- زالامانسکی هانری (۱۳۹۲) بررسی محتواها، مرحله‌ای اساسی در جامعه‌شناسی ادبیات معاصر، درآمدمی بر جامعه‌شناسی ادبیات، محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- زرلکی، شهلا (۱۳۸۹) خلسه‌خاطرات (تحلیل و بررسی آثار گلی ترقی)، تهران: نیلوفر.
- زیما، پیرو (۱۳۹۲) روش‌های تجربی و دیالکتیکی در جامعه‌شناسی ادبیات، درآمدمی بر جامعه‌شناسی ادبیات، محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- صدر، رویا (۱۳۸۳) طنزی که زندگی است، نقد و بررسی آثار گلی ترقی، علی دهباشی و مهدی کریمی، تهران: قطره.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۵) سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.
- فراروتی، فرانکو (۱۳۹۲) لوکاج، گلدمن و جامعه‌شناسی رمان، درآمدمی بر جامعه‌شناسی ادبیات، محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- قبادزاده، ناصر (۱۳۸۱) روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه‌دوم انقلاب، تهران: فرهنگ گفتمان.
- کوهلر، اریش (۱۳۹۲) تره‌هایی درباره‌ی جامعه‌شناسی ادبیات، درآمدمی بر جامعه‌شناسی ادبیات، محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- گلدمن، لوسین (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی ادبیات، درآمدمی بر جامعه‌شناسی ادبیات، محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- گلستان، لیلی (۱۳۸۳) انسان پراکنده، سنت و مدرنیته، نقد و بررسی آثار گلی ترقی، علی دهباشی و مهدی کریمی، تهران: قطره.
- مصباحی‌پور ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸) واقعیت اجتماعی و جهان داستان (جامعه‌شناسی هنر و ادبیات)، تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۳) داستان و ادبیات، تهران: آیه مهر.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۹۲) هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی (از ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۰)، جلد ۱، تهران: کتاب خورشید.

مقالات

جدی تازه کند، رویا، عادل‌زاده، پروانه، پاشایی فخری، کامران. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه زمان در اتوبوس شمیران بر اساس دیدگاه ژرار ژنت. *متن پژوهی ادبی*، ۲۲(۷۶)، ۱۶۵-۱۹۰. Doi: 10.22054/itr.2018.8837

داودی مقدم، فریده. (۱۳۸۷). نقد روانشناختی اجتماعی داستان جایی دیگر، رخسار اندیشه، مجموعه مقالات سومین همایش‌های پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱-۱۲.

رحیمیه، نسرين. (۱۳۷۳). نقد و بررسی کتاب (خاطره‌های پراکنده نوشته گلی ترقی)، ایران نامه، (۴۷)، ۵۶۴-۵۶۱.

زیباکلام، صادق، افشاری، داود، اصلانزاده، عبدالله. (۱۳۸۸). علل روی کارآمدن آقای خاتمی (دولت اصلاحات ۱۳۷۶) «براساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون». *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱(۳)، ۵۱-۷۶.

محمودی فتانه، شرفخواه مژده، پیروز غلامرضا. (۱۳۹۸). ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن به مثابه روشی در نقد آثار هنرهای تجسمی (مطالعه موردی عکس‌های دوره قاجار). *نقد ادبی*، ۱۲(۴۸)، ۱۴۳-۱۷۴. Dor:20.1001.1.20080360.1398.12.48.4.1

مونسان، فرزانه، خائفی، عباس، تسلیمی، علی، خزانه‌دار، محمدعلی. (۱۳۹۲). *اسطوره‌های زن‌محور، مشخصه‌ای سبکی در آثار پارسی‌پور، گلی ترقی و غزاله علیزاده. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۶(۲۱)، ۴۹۶-۴۷۵.

ناصری، ناصر. (۱۳۹۸). کاربرد واژه در «سمفونی مردگان» و «خاطره‌های پراکنده» از منظر زبان و جنسیت. *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، ۱۰(۳۵)، ۱۷۵-۱۹۰.

یانس، ندا، پاشایی فخری، کامران، عادل‌زاده، پروانه. (۱۳۹۹). بررسی شیء‌وارگی در آثار زویا پیرزاد با تأکید بر رویکرد جورج لوکاج. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲(پیاپی ۴۴)، ۴۳-۶۶. Doi: 10.30495/dk.2020.677299

References

Books

Darvishian, Ali Ashraf, Reza Khandan (2013) *Review of "Shemiran Bus", Review of the Works of Goli Targhee, Ali Dehbashi and Mehdi Karimi*, Tehran: Qatreh.

Dehbashi, Ali, Mehdi Karimi (2013) *Criticism of Goli Targhee's Works*, Tehran: Qatreh.

Ershad, Farhang (2014) *Exploration in Sociology of Literature*, Tehran: Agah.

Eslami, Majid (2004) *Between the Infinity of the Past and Tomorrow*, a Review of the Works of Goli Targhee, Ali Dehbashi and Mehdi Karimi, Tehran: Qatreh.

Fatuhi, Mahmoud (2015) *Stylistics (theories, approaches and methods)*, Tehran: Sokhn.

Ferrarotti, Franco (2012) *Lukacs, Goldman and the Sociology of the Novel, an Introduction to the Sociology of Literature*, Mohammad Jaafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan.

Goldman, Lucin (2012) *Sociology of Literature, Introduction to Sociology of Literature*, Mohammad Jaafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan.

Golestan, Laili (2013) *The Scattered Human Being, Tradition and Modernity, a Review of the Works of Goli Targhee*, Ali Dehbashi and Mehdi Karimi, Tehran: Qatreh.

Henry Zalamanski (2012) *Reviewing the Contents, a Basic Stage in the Sociology of Contemporary Literature, an Introduction to the Sociology of Literature*, Mohammad Jaafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan.

Kohler, Erich (2012) *Theses on the Sociology of Literature, an Introduction to the Sociology of Literature*, Mohammad Jaafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan.

Mesbahipour Iranian, Jamshid (1979) *Social Reality and the World of Fiction (sociology of art and literature)*, Tehran: Amirkabir.

Mira Abdini, Hassan (2012) *Eighty Years of Iranian Short Stories (from 1300 to 1360)*, Volume 1, Tehran: Ketab Khurshid.

Mirsadeghi, Jamal (2004) *Fiction and Literature*, Tehran: Ayat Mehr.

Payandeh, Hossein (2015) *Short Story in Iran (modern stories)*, volume 2, Tehran: Nilofar.

Qabadzadeh, Nasser (2008) *A Pathological Narrative of the Breakup of the System and the People in the Second Decade of the Revolution*, Tehran: Farhang Gatman.

Sadr, Roya (2003) *The Humor that is Life, a Review of the Works of Goli Targhee*, Ali Dehbashi and Mehdi Karimi, Tehran: Qatreh.

Targhee, Goli (2014) *Scattered Memories*, Tehran: Nilufar.

Zarleki, Shahla (2010) *(Analysis and Review of Goli Targhee's Works)*, Tehran: Nilofar.

Zima, Piro (2012) *Experimental and Dialectical Methods in the Sociology of Literature, an introduction to the sociology of literature*, Mohammad Jaafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan.

Articles

Davoudi Moghadam, F. (2008). Social psychological Critique of the Story of Another Place, Rukhsar Andisheh, *collection of articles of the third Persian language and literature research conferences, Persian language and literature research center, Tarbiat Modares University*, Tehran, 1-12.

Jedi Taze Kand, R., adelzadeh, P., Pashaei Fakhri, K. (2018). Time in "Shemiran Bus" from Gérard Genette Viewpoint. *Literary Text Research*, 22(76), 165-190. doi: 10.22054/ltr.2018.8837.

Mahmoudi, F, Sharafkhah, M, Pirooz, G. (2019). Goldman's Genetic Structuralism as a Method of Critique for the Works of Visual Arts (Case Study of

Qajar Period Photographs). *LCQ*, 12 (48), 143-174. dor: 20.1001.1.20080360.1398.12.48.4.1

Monsan, F., Khafi, A., Taslimi, A., Khazanedar, M. A. (2012). Female-oriented Myths are a Stylistic Feature in the Works of Parsipour, Goli Targhee and Ghazaleh Alizadeh. *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adeb)*, 6(21), 496-475.

۳۳۷ Naseri, N. (2019). The Use of the Word in "Symphony of the Dead" and "Scattered Memories" from the Perspective of Language and Gender. *Literary Criticism and Stylistics Research*, 10(35), 175-190.

Rahimieh, N. (1994). Review of the Book (Scattered memories written by Goli Targhee), *Irannameh*, (47), 561-564.

Yans, N., pashaei fakhri, K., Adel Zadeh, P. (2020). Study of Reification in Zoya Pirzad's Works with Emphasis on George Lukac's Approach. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12(Consecutive44), 43-66. doi: 10.30495/dk.2020.677299.

Zibakalam, S., Afshar, D., Aslanzadeh, A. (2009). The Causes of Coming into Power of Khatami (Reform Government 1997/1376) on the Basis of Samuel Huntington's Theory of Uneven Developmen. *Political and International Research*, 1(3), 51-76.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 56, Summer 2023, pp. 312-338

Date of receipt: 10/10/2021, Date of acceptance: 5/1/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1915327.2136](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1915327.2136)

Sociological Criticism of the Short Story Collection *Scattered Memories* by Goli Taraghi

Mansooreh Bagheri Mazraeh¹, Dr. Abdolreza Modareszadeh²

Abstract

The sociological criticism of literature is a scientific discipline which initially tries to extract social issues through the literary works by focusing on the content. The contemporary Hungarian thinker, George Lukacs, made major changes in this discipline. In Lucien Goldmann's genetic structuralism approach, based on Lukacs's views, the aesthetic techniques of the text in parallel with its content are studied and the overall structure of the story and the structures of society that story developed in, correspond to each other. With regard to the fact that intended research field of the present research is social novel, this article is going to deal with the short story in a descriptive-analytical way with genetic structuralism approach and by the case of study of *Scattered Memories* by Goli Taraghi, and seeks to explore how society is represented in the imaginary world of a short story collection. The results show that although none of the stories happened at the same time, this book approximately is in line with the events of Iran milieu after the revolution and after the war, in content and form. Moreover, by expressing the consequences of prejudice in the first decade of the revolution and the consequences of modernity in the second decade, it implicitly, invites the audience to pluralism and to avoid luxury.

Keywords: sociological criticism of literature, Genetic structuralism, short story, Goli Taraghi, *Scattered Memories*.

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. mansooreh.dara@yahoo.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. (Corresponding author) drmodarreszadeh@yahoo.com.

